

گسترش اعتصابات کارگری در آفریقای جنوبی پس
از قتل عام کارگران و نقش اتحادیه های کارگری
بعنوان بخشی از نهادهای سرمایه



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

اعتصابات [۱] متعددی در معادن آفریقای جنوبی که در آن ۳۴ نفر از کارگران توسط پلیس سرمایه در ماه گذشته به ضرب گلوله به خون تپیده شدند، همچنان ادامه دارد. کارفرمایان تهدید کرده اند که اگر کارگران به زودی سر کار خود برنگردند و مجدداً تولید از سر گرفته نشود، هزاران کارگر را اخراج خواهند کرد. علیرغم میانجیگری دولت، کلیسا و اتحادیه ها معدنچیان از بازگشت به کار امتناع می ورزند. کارگران نبرد افزایش دستمزد را به گرامیداشت و احترام هم طبقه ایهای بخون تپیده خود تبدیل کرده اند. درسهای این نبردها چیست؟

آفریقای جنوبی مهمترین اقتصاد قاره آفریقا است. از ذخائر بسیار زیادی برخوردار است و از لحاظ منابع معدنی یکی از مهمترین کشورهای دنیاست. از طلا تا ذغالسنگ، از الماس تا کروم استخراج می کند و صنعت معدن اقتصاد عمده این کشور را تشکیل میدهد. در دوره آپارتاید در آفریقای جنوبی از سوئی بدلیل شرایطی که آپارتاید بر جامعه تحمیل کرده بود و از سوی دیگر وجود اعتصابات و اعتراضات کارگری، عملاً دولت آپارتاید را فلج کرده بود. این معضلات رشد اقتصادی آفریقای جنوبی را محدود کرده بود و انباشت سرمایه با محدودیت هائی روبرو شده بود. در چنین شرایطی سرمایه برای رشد اقتصادی و انباشت بهتر سرمایه خواهان تغییراتی در نظام سیاسی شد. کنگره ملی آفریقا نقش این ناجی را پیدا کرد تا سرمایه داری آفریقای جنوبی را از بن بست که در آن گرفتار شده بود، نجات دهد. بدنبال آن حکومت آپارتاید به حکومت کنگره ملی آفریقا تغییر پیدا کرد که نتیجه آن دو برابر شدن رشد اقتصادی آفریقای جنوبی بود. در پاداش چنین کاری به «نلسون ماندلا» و «دوکلرک» در سال ۱۳۷۲ مشترکاً جایزه صلح نوبل سرمایه اعطاء شد.

قطعاً طبقه کارگر آفریقای جنوبی در سرنگونی آپارتاید نقش مهمی ایفا کرد، همانطور که طبقه کارگر ایران نقش مهمی در سرنگونی نظام شاهنشاهی ایفا کرد. البته این مسئله نه به مفهوم بهتر شدن شرایط برای طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه بود بلکه بر عکس به بی خانمانی بیشتر طبقه کارگر آفریقای جنوبی نیز منجر شد. نرخ بیکاری به حدود ۴۰ درصد افزایش یافت و ۵۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند.

طبقه کارگر آفریقای جنوبی از استاندارد زندگی بسیار پائینی برخوردار است. دستمزدهای پائین، شرایط نامناسب کاری، زمان طولانی کار، نبود امکانات رفاهی و غیره، دنیای واقعی شان را تشکیل میدهد. بسیاری از محلات کارگری در واقع حلبی آبهائی هستند که فاقد آب، برق، فاضلاب، در یک کلام فاقد یک حداقل استاندارد زندگی هستند.

شرایط اسف بار کار، زندگی را بر این بردگان مزدی طاقت فرسا کرده است، که منجر به نارضایتی وسیعی بخصوص در معادن شده است. کارگران از ماهها قبل اعتصابات "وحشی" متعددی را سازمان داده بودند. کارگران اعتصابی خواهان افزایش حقوق سه برابر بودند.

اتحادیه ملی معدنچیان (NUM) از نزدیکان و پشتیبانان «کنگره ملی آفریقا» (ANC) است. تا بحال هیچ کسی بدون پشتیبانی اتحادیه های بزرگ بخصوص «کوساتو» (COSATU) که اتحادیه ملی معدنچیان بخشی از آن است، برهبری کنگره ملی آفریقا نرسیده است و رئیس جمهور فعلی آفریقای جنوبی، جاکوب زوما نیز از این قاعده مستثنی نیست. اتحادیه ملی معدنچیان از شروع موج جدید اعتصابات آنرا محکوم کرد و تمام تلاش خود را کرد تا کارگران بر سر کار خود برگردند. «لزبیا

سِشوکا» (LesibaSeshoka) سخنگوی اتحادیه ملی معدنچیان اعلام کرد، ما رهبران اتحادیه را به معدن فرستادیم تا سعی به شکستن اعتصاب کارگران کنند. ما از اعتصاب غیر قانونی پشتیبانی نمی‌کنیم.

فساد و شیفتگی قدرت رهبران اتحادیه های کارگری، نارضایتی وسیعی را بین کارگران دامن زده است. از مدتها قبل کارگران از اتحادیه ملی معدنچیان خسته شده اند که یکی از رهبران اصلی آن «کریل رامافوسه» (Cyril Ramaphosa) با حقوقی نجومی در هیئت مدیره شرکت «لومین» نشسته است. شرکت «لومین» یکی از بزرگترین شرکتهای تولید کننده طلای سفید (پلاتینوم) در دنیا است که درآمد سالانه آن میلیاردها دلار است. این عوامل باعث شده است که مبارزات کارگران نه تنها خود را متوجه شرکتها بلکه همچنین بسوی رهبران اتحادیه های کارگری نشانه گیری کند. استعفای رهبران اتحادیه های کارگری از خواسته های کارگران اعتصابی نیز هست.

در سال ۱۳۷۷ بخشی از ناراضیان از اتحادیه ملی معدنچیان جدا شدند و اتحادیه معدنچیان و کارگران ساختمانی (AMCU) را تشکیل دادند که سعی می کند زبانی رادیکال داشته باشد. البته اتحادیه معدنچیان و کارگران ساختمانی انکار می کند که ابتکار عمل اعتصاب را در دست داشته است بلکه اظهار میدارد که بعد از آنکه خشونت ها شروع شد، توسط شرکت تماس گرفته شده تا به میانجیگری بپردازد و آنها نیز از کارگران دفاع کرده اند.

اگر اتحادیه ملی معدنچیان مستقیما به ابزاری در دست کارفرمایان تبدیل شده است و نقش اعتصاب شکن را ایفا می کند. در مقابل اتحادیه معدنچیان و کارگران ساختمانی (AMCU) با خواسته های معدنچیان همراهی می کند، سعی می کند کارگران رادیکال را به خود جذب کند. ولی واقعیت وجودی اتحادیه، همان مدیریت فروش نیروی کار است. زبان رادیکال اتحادیه معدنچیان و کارگران ساختمانی نیز محصول شرایط کنونی است تا نقش سوپاپ اطمینان را ایفا کند تا در موقعیت های مناسب امتیاز مذاکره با کارفرمایان را حفظ کند.

برخلاف عوام فریبی های گرایشات متفاوت چپ سرمایه که اظهار میدارند اتحادیه ها و سندیکاها اگر در اروپای غربی بدلیل "اشرافیت کارگری" نمی توانند نقش رادیکالی در مبارزات کارگری ایفاکنند در مقابل ظرف مناسبی برای مبارزه در کشورهای پیرامونی برای طبقه کارگر هستند. وقایع آفریقای جنوبی و نقش اتحادیه ها در این حوادث بار دیگر ارتجاعی بودن چنین موضعی و حقانیت مواضع انترناسیونالیستها را به اثبات می رساند که اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانهای نظام سرمایه داری شده اند. وظیفه اصلی اتحادیه ها چه در کشورهای پیرامونی و چه در متروپل کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است. مبارزه مستقل کارگران و اعتصابات آنها خارج از چهارچوب هر گونه اتحادیه از بزرگترین دستاوردهای این مبارزات هستند.



این دستاوردها حاصل خون کارگران است. مرداد ۱۳۹۱ حدود ۵۰۰ پلیس ضد شورش سرمایه به نشست کارگران اعتصابی حمله کرد تا جلسه عمومی (مجمع عمومی) کارگران اعتصابی را که در تپه ای نزدیکی معدن برگزار می شد، از هم بپاشد. پلیس جلسه را محاصره کرد و دور آنرا از طریق سیم خاردار نرده گذاری کرد

سپس به کارگرانی که سعی میکردند از طریق شکستن حصار (سیم های خار دار) فرار کنند از پشت شلیک کرد. بخشی از کارگران در اثر ضربات باتون به قتل رسیدند. در این جنایت پلیس سرمایه، ۳۴ کارگر از معدن پلاتین (Marikana) بخون تپیده شدند و دهها کارگر نیز زخمی شدند. هدف بورژوازی از قتل عام کارگران جلوگیری از گسترش اعتصابات به دیگر معادن و صنایع بود.

دنیای سرمایه، دنیای عجیبی است. حدود ۲۵۰ کارگری که توسط پلیس سرمایه قتل عام یا زخمی نشده بودند و به اسارت سرمایه درآمده بودند، قرار بود طبق قانون بازمانده از دوره آپارتاید و تحت عنوان تحریک همکارانشان به اعتصاب غیر قانونی و حمله به پلیس محاکمه شوند. این کارگران البته موقتا آزاد شده اند.

قتل عام کارگران نتوانست جلوی اعتصابات کارگری را بگیرد و موجی از اعتصابات کارگری معادن آفریقای جنوبی را در گرفته است. در یکی از معادن طلا «گولد فیلدز» (GoldFields) متعلق به شرکت بزرگ در نزدیکی ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی ۱۲۰۰۰ معدنچی از روز چهارشنبه ۲۹ اگوست دست از کار کشیده و دست به اعتصاب (اعتصاب وحشی) زده اند. کارگران معادن طلای «گلد وان» (Gold On) در حاشیه ژوهانسبورگ نیز دست به اعتصاب "غیرقانونی" زدند. معدن «گلد وان» دو سال پیش توسط «زادوا ماندلا» نوه نلسون ماندلا و «خولوبیوس زوما» برادر زاده زوما خریداری شده است.

اگر در دوران آپارتاید، علت شرایط نابسامان طبقه کارگر را حاکمیت سفید پوستان معرفی میکردند، این قتل عام ماهیت سرمایه دارانه نظام آفریقای جنوبی را نشان داد. قتل عام کارگران در آفریقای جنوبی یک حقیقت دیگری را نیز آشکارا به تصویر میکشد که نبرد طبقاتی سیاه یا سفید، اروپائی، آسیائی و اروپائی نمیشناسد. هر جا که سرمایه منافع خود را در خطر ببیند تنها با قتل عام پاسخ میدهد که به نمونه هائی از آن اشاره می شود.

در هشتم اردیبهشت ۱۳۵۰ کارگران کارخانه جهان چیت کرج که برای احقاق حقوق خود اعتراض کرده بودند توسط ارتش شاهنشاهی قتل عام شدند. ۴ بهمن ۱۳۸۲ کارگران مس خاتون آباد در

اعتراض به بیکار شدنشان از زمین و هوا مورد حمله پلیس سرمایه قرار گرفتند چندین تن از کارگران به قتل رسیدند و دهها نفر زخمی شدند. ۲۵ آذر ۱۳۹۰ دهها تن از کارگران اعتصابی در صنایع نفت در ژانناوزن قزاقستان توسط پلیس سرمایه بخون کشیده شدند.

قتل عام کارگران مختص سرمایه داری پیرامونی نیست بلکه اگر سرمایه خود را در خطر ببند حتی در دمکرات ترین کشورها نیز شکل دیکتاتوری بخود می گیرد. قتل عام پرولتاریای پاریس بعد از شکست کمون پاریس، قتل عام کارگران در شیکاگو یا قتل عام بیش از بیست هزار نفر در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۱۸ در آلمان در جریان شکست انقلاب آلمان که دو نفر از آنها لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت بودند، تنها نمونه هائی هستند. [۲]

هم زنجیران!

اتحادیه ها در سراسر جهان هستی بدلیل ماهیت وجودیشان در نظام سرمایه داری ادغام شده اند و یکی از نهادهای سرمایه برای مدیریت فروش نیروی کار گشته اند. تنها پیشروی طبقه کارگر بسوی انقلاب کمونیستی برای بزیر کشیدن نکبت سرمایه داری، جهانی بدور از طبقه، بردگی مزدی و جهانی شایسته انسانی ارائه خواهد داد. ولی بدون سازمان انقلابی و کمونیستی (حزب کمونیست انترناسیونالیست) حماسی ترین جانفشانیهای پرولتاریا نیز مثمر ثمر نخواهد بود، خون این بردگان مزدی سکوی پرشی برای قدرت رهبران اتحادیه خواهد بود. سازمان کمونیستی ضروری ترین ابزار ما برای جهت دادن مبارزه طبقاتی است. حزب انقلابی که در نبردهای آتی پرولتاریا نقش بسزائی ایفا کند. لذا تلاش در راستای پیشروی مواضع انترناسیونالیستی و سازمان یابی مان در راستای آماده سازی برای حزب کمونیست انترناسیونالیست از وظایف عاجل و ضروری ما است که بدون آن امر انجام انقلاب کمونیستی امکان پذیر نیست.

فیروز اکبری

۱۹ شهریور ۱۳۹۱

یادداشتها:

[۱] اعتصابات "وحشی" عنوانی است که وسائل ارتباط جمعی کشورهای غربی به اعتصاب خارج از اتحادیه ها عنوان میدهند. آنها اعتصابات مدیریت شده و کانالیزه شده توسط اتحادیه ها را بعنوان اعتصاب قانونی قبول دارند.

[۲] گامبل: چهار سال از قتل های سیاسی، تجدید چاپ در سال ۱۹۸۵ توسط موسسه

(Wunderhorn, Heidelberg)